

از مسائلی که دشمنان اسلام از آغاز بر آن تاکید داشته اند و همچنان بر آن اصرار دارند، جدایی دین از سیاست است. این نظریه خطرناک به شکلهای گوناگون جلوه گری می کند.

گاه گفته می شود، وظیفه روحانیان موعظه مردم است. این نظریه، شبیه چیزی است که در انجیل محرف کتونی آمده - اگر نگوییم برگرفته از آن است - که: «کار قیصر را به قیصر واگذارید و کار پاپ را به پاپ»^۱ یا «۲۹ شمشیر وجود دارد که دست یک نفر قرار نمی گیرد، یک شمشیر فلوت سیاسی است و باید در دست قیصر قرار گیرد، و یک شمشیر قدرت معنوی است و باید در دست پاپ قرار گیرد»^۲.

و گناه مردم را به سمت بی تساوتی در برابر انقلاب شکوهمند اسلامی می کشاند و به ترویج این نظریه می پردازند که ما می خواهیم مسلمان باشیم و کاری به انقلاب نداریم. و گاه مسجد را محل عبادت می شمارند، که باید از مسائل سیاسی جدا باشد.

این مقاله بر آن است که با بررسی فقهی نظریه های گوناگون در باب فضاوت در مسجد، این مطلب را اثبات کند که مسجد علاوه بر مرکزی عبادی، همواره به عنوان نهادی مردمی و سیاسی به نیازهای همه جانبه مسلمانان توجه داشته، و از حکومت و سیاست به دور نبوده است.

مسجد و فضاوت

از مسائلی که باید در مورد مسجد و سیاست بررسی شود، مسئله فضاوت در مسجد است. از آنجا که برخی از فقها قائل به کراهت فضاوت در مسجدند، و با توجه به اینکه فضاوت از مصادیق واضح سیاست است، چه بسا کسانی همین فتوا را شاهی بر این بگیرند که دیدگاه شارع در باب مسجد، برکتار بودن آن از سیاست است. در نقد و بررسی این مسئله، ۲ نظر مطرح است:

۱. کراهت فضاوت در مسجد به طور مطلق، چه به صورت دائم و چه به صورت مستقطن: مرحوم محقق حلی در کتاب «صلوة» شرائع این نظر را برگزیده است،^۳ و اکثر فقهای معاصر نیز این قول را پذیرفته اند. از علمای عامه، شافعی و عهرین عبدالعزیز، طرفدار این نظرتند. همچنین، از ابوحنیفه^۴ قول در این زمینه نقل شده، که یکی از آنها قول به کراهت مطلق است.^۵

۲. قول به کراهت، در صورتی که مسجد به عنوان مکان فضاوت انتخاب شود و پیوسته در آن فضاوت صورت گیرد، نه به صورت مقطعی: مرحوم علامه حلی در قواعد، طرفدار این نظریه است: «واللهذا المسجد مجلساً للمکمة دائماً علی رأی»^۶ و مرحوم مستقطن حلی در کتاب «فصاه» شرائع این نظر را برگزیده است.^۷

۳. استحباب فضاوت در مسجد: از ظاهر عبارت مرحوم

مسجد و حکومت

سید احمد خاتمی

شماره:

بررسی احکام مسجد از نظر فقهی، همواره مورد توجه فقیهان و اندیشمندان علوم اسلامی بوده، و به مناسبات گوناگون در کتابهای فقهی بیان شده است. مجله مسجد با توجه به اهمیت مباحث فقهی درباره مسجد، در گذشته مقالاتی را به این موضوع اختصاص داده بود. از این شماره، سلسله مقالاتی با عنوان «فقه المساجد ترفیقه فاضل ترجمت حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

است: دکه القضاة موضع فی مسجد الکوفه، و بر فرض شک، با استصحاب فقهرای مسجد بودن آن ثابت می شود. برخی مثل مرحوم محقق حلی در «قضاة» شرعاً گفته اند^{۱۷} که منارت قضا در مسجد مکروه است، نه به صورت مقطعی و نادر. و مولا گاهی برخی فتاوتهای حساس خود را در آنجا انجاس می داد. این هم خلاف ظاهر است، زیرا با یک بار یا دو بار فتاوت، دکه القضاة تا مبدی نمی شود.



شیخ مفید در مقدمه ۷، شیخ طوسی در نهجها ۸ و سلار در مراسم^{۱۸}، این نظریه استفاده می شود. متن عبارت مقدمه چنین است: «فتم بتوضیح وضوء الصلاة ولبس من ثیابه ما یتمکن من الجمال و حسن الهيئة و یخرج الی المسجد الاعظم فی البلد الذی یحکم فیہ فیصلی فیہ رکعتین عند وصوله الی القاضی برای نماز وضو می گیرد، زیباترین لباسهای خود را می پوشد، و با وضویش مستحبه آمادگی حرکت به سوی مسجد بزرگ شهر برای فتاوت می شود. و وقتی به مسجد رسیده، ۴ رکعت نماز تحیت مسجد می خواند...». از اینکه خروج به مسجد اعظم در سیاق دیگر مستحبات آمده، استفاده استصحاب شده است.

عبارت شیخ طوسی و سلار نیز شبیه عبارت مقدمه است. ۲. جواز فتاوت در مسجد: نظریه جناب شیخ طوسی در خلاف^{۱۹}، نظریه قاضی ابن براج در مهذب^{۲۰}، ابن حمزه طوسی در رساله^{۲۱}، ابن امویس در سرالر^{۲۲} و نیز نظریه برخی از حنفیه، مالکیه و حنابله از عامه، همین است.^{۲۳} ما بر این باوریم که نظریه چهارم، مقتضای ادله است. قبل از ورود در اثبات مدعا، دوباره بر محل نزاع تأکید داریم که فعلاً محل بحث ما صدور حکم در مسجد است، و اجراء و تنفیذ حکم از محل بحث بیرون است.

دلایل جواز:

۱. جواز مقتضای اصل است. تا وقتی دلیلی بر کراهت یا حرمت قائم نشد، حکم بر جواز است.
۲. سیره پیامبر اکرم (ص) فتاوت در مسجد بوده است. اصولاً مکتبی چیز مسجد برای فتاوت حضرت نقل نشده است، و اگر مکروه بود قطعاً پیامبر آنجا را برای فتاوت بر نمی گزید.
۳. امام علی (ع) در مسجد جامع کوفه فتاوت می کرد، و دکه القضاة حضرت تا امروز معروف است.^{۲۴}
- مرحوم محقق نراقی ۳ نقد بر دلیل اخیر بیان کرده است: اول، اصل ثبوت چنین دکه ای (برای فتاوت) ثابت نیست. دوم، بر فرضی که ثابت باشد، ثابت نیست که دکه القضاة باشد.
- سوم، بر فرضی که دکه القضاة باشد، از کجا که جزء مسجد بوده و مولا در آن فتاوت می کرد، شاید، آن زمان جزء مسجد نبوده است.^{۲۵}

به نظر می رسد که هر ۳ نقد ایشان تشکیک در امر واضح تاریخی است، زیرا اصل ثبوت آن و دکه القضاة بودن آن، از واضحات و مسلماتی بوده که پیوسته در طی قرنهای به آن در این باب استدلال شده است. و اینکه از آغاز این موضع جزء مسجد بوده است، از تصریحی که اهل لغت از آن کرده اند، مستفاد

۴. عقلی که می توان آن را به عنوان مؤید آورد، روایتی است از امام علی (ع)، که وقتی شریفند شریح در منزل خود فتاوت می کند، فرمودند: «فبا شریح اجلس فی المسجد فانه اعدل بین الناس قاته و هن بالقاضی ان یجلس فی بیته»^{۲۶} (شریح را در مسجد فتاوت کن که برای عدالت بین مردم این بهتر است. همانا در خانه نشستن و فتاوت کردن، مایه و هن نسبت به قاضی است). اگر از این روایت استصحاب فتاوت در مسجد استفاده نشود، حداقل جواز مستفاد می شود. و وجه آنکه این روایت را به عنوان تأیید آورده ایم نه دلیل، آن است که روایت مرسل است و چنین روایتی نمی تواند مستند قرار گیرد.
۵. مهمترین دلیل ما بر جواز، نقد ادله اقوال دیگر است.

نقد ادله کراهت

قاتلان به کراهت فتاوت در مسجد، به ادله ذیل تنسک کرده اند:

۱. در سخنان فقهای شیعه^{۲۷} و اهل سنت آمده است که فتاوت در مسجد توأمی دارد. گاه فتاوت سبب تنگ حرم

مسجد می گردد، نگاه دادگاه، به نتایج کشیده می شود، و فریاد، قسمهای دروغ و ... به میان می آید. علاوه بر این، طبع قضاوت چنین است که کسانی که مجاز به حضور در مسجد نیستند - همانند کافران و مشرکان - چه بسا به عنوان شاهد حضورشان در دادگاه ضروری باشد. اگر ایشان به مسجد نیایند قضاوت راقت می مانند، و اگر بیایند خلاف شرع است. بر این اساس، بهتر است قاضی محلی را برای قضاوت برگزیند که این محاذیر را نداشته باشد.

اول، نمی توان این ۳ روایت را مستقیماً تأیید، زیرا روایت مستقیماً عبارت است از روایتی که او را پیش در هر طبقه ای بیش از ۳ نفر و در بعضی عبارات آمده که بیش از ۲ نفر بوده باشند، ولی از لحاظ ۲ روایت اول پیداست که یک متن است و

در پاسخ باید گفت که این دلیل استحصالی بیش نیست، و این توابع سبب مرجوحیت قضاوت در مسجد نمی شود، زیرا: اول، با گسارندن شیاطان قضائی و نیروی انتظامی، می توان جلوی تشنج و جدال را گرفت.

دوم، در مواردی که دادگاه، نیاز به شیدن اظهارات کسای داشته باشد که از حضور در محل آن به جهت مسجد بودن مترعد، قاضی نزد آنان می رود، و اظهاراتشان را می شنود.

به این ترتیب، این محذور نیز برطرف خواهد شد. ۲. تسامح در ادله مکروهات جایز است. همان گونه که تسامح در ادله متن در مستحبات داریم، در ادله مکروهات نیز تسامح جایز است. بر این اساس، کراهت قضاوت در مسجد با این جنس، بر مسند می نشیند.

پاسخ آنکه: اول، ادله تسامح در ادله متن در مستحبات نیز محل کلام و اشکال است.

دوم، این ادله شامل مکروهات نیست.

سوم، بر فرض صحت، جریان قاعده تسامح در صورتی است که معارضی در کار نباشد. در صورتی که ادله جواز در این مسئله، معارضی کراهتند.

۳. روایاتی که مرحوم سید جواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه^{۱۱}، ادعای استفاضه آنها را کرده است، که عطف آنها ۳ روایت است:

الف: مرسله علی بن اسباط: «عن محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن علی المحبوب عن الحسن بن موسی الخشاب عن علی بن اسباط عن بعض رجاله قال ابو عبد الله (ع): جنبا مساجد کم البیوع و الشراء و المعباین و الصبیان و الاحکام و القضاة و الحدود و دفع الاموات»^{۱۲} (امام صادق (ع) فرمود: مساجدشان را از خرید و فروش و دوزخ دیوانگان و بچه ها، حضور حکم، پیدا شدن گمشده ها، حدود و فریاد دور نگاه دارید).

ب: مرسله شیخ صفی (ره)، که همان متن است با اختصاری جایزایی: «محمد بن علی بن الحسن قال الصادق (ع): جنبا...»^{۱۳}

ج: مرسله نبوی: «جنبا مساجدکم صیانتکم و نجابتکم و عسرو ماتکم»^{۱۴} (مساجدتان را از بچه ها، مجائلی و دعواها دور نگاه دارید).



یک ست، و چنین وجهیتی را نمی توان استفاضه تأیید.^{۱۵} دوم، هر ۳ روایت از جهت مستند قابل اعتماد نیست، زیرا که مرسل است. گویا اینکه علی بن اسباط قطعی مسود و توفی است،^{۱۶} لکن فهرزی عنه^{۱۷} مشخص نیست که چه کسی است و در سند جناب شیخ صفی حقوق هم که نام و راهبان نیامده است.

برخی گفته اند که مراسیل شیخ صفی حقوق حکم مساجد را داشته و معتبر است، و نمی توان مراسیل او را کمتر از مراسیل محمد بن ابن عمیر دانست، زیرا علما گفته اند: مراسیل ابن ابن عمیر همانند مساجد او معتبر است.^{۱۸} دلیل این مطلب را چنین ذکر کرده اند که مرحوم شیخ صفی در اول من لا یحضره الفقه فرموده است: «فیل تعدد الی ابراد ما افسن به و احکم بصرته»^{۱۹} (من در این کتاب قصد کرده ام چیزی را بیاورم که به آن فتوا داده و حکم به صحت آن می کنم). گفته اند، این عبارت صریح است که تمامی کسانی که در اسناد و روایات این کتاب قرار گرفته اند، عدول و رقعاتند.

لیکن این نظر قابل خدشه است، زیرا: اول، اصطلاح «صحیح» نزد قسما با مستأخران متفاوت

جواز را حمل بر مورد نادر کرده اند، و ادله کراهت را حمل بر دوام.

با نقدی که بر ادله کراهت وارد کردیم، زمینه ای برای این جمع باقی نمی ماند.

ادله قول به استحباب

برخی از فقهاء، قائل به استحباب قضاوت در مسجد شده اند. برای این نظریه، به ادله زیر استدلال شده است:

۱. مسجد محل یاد خداست، و قضاوت و حل نزاعهای مردم از مصداقین یاد خداوند است.^{۲۲}

مرحوم محقق تهرانی،^{۲۳} نقد بر این دلیل وارد کرده است:

اول، مسجد جای هر چیزی که مصداق یاد خدا باشد نیست، بلکه در روایت جعفر بن ابی نعیم آمده است: «انما نصبت المساجد للقرآن»^{۲۴} (مساجد جای قرآن است).

دوم، بر فرض که از نقد اول صرف نظر کنیم، نمی پذیریم که قضاوت از مصداقین یاد خدا باشد.^{۲۵}

لکن هر ۲ نقد مخفوش است، زیرا:

اول، مسجد جلوه گاه ذکر حضرت حق در تمامی ابعاد است و هرگز روایت ذکر شده علاوه بر ضعف سند، نمی تواند استفاده از مسجد را محصور به قرآن نماید، زیرا حصر قطعاً اخصی است و گسره باید دهان، توسل و حتی نماز را هم طین روایت در مسجد زیر سؤال برد.

دوم، می نرود هر کارکی که برای خدا و خدمت به بندگانش انجام شود، از مصداقین یاد خداست، و قضاوت از آن جمله است.

است. صحیح نزد متأخران روایتی است که تمام افرادی که در سند روایت هستند، عدول، ثقه، دوازده اساسی باشند. لکن صحیح نزد فقهاء عبارت است از روایتی که بتوان به آن اعتماد کرد ولو منشأ آن عدول و ثقه و دوازده اساسی بودن راوی آن نباشد، و شراهد و قرائتی همچون بودن حدیث در اصول اربعمائة که در زمانهای کثیف بوده، یا بودن حدیث در یکی از کتابهایی که بر ائمه عرضه شده و مورد تأیید آن ذوات مقدسه قرار گرفته یا شراهد دیگر، وجود داشت باشد.

دوم، بر فرض که مقصود صحیح به اصطلاح متأخران باشد و این عبارت نظر به توثیق کل راویان در روایات کتاب داشته باشد، این شهادت حسی نیست، زیرا خود شیخ صفوح تصریح کرده است که در تصحیح و تضعیف، تابع استاد خویش احمد بن محمد بن حسن بن ولید است.

بر این اساس، هیچ یک از ۳ روایت نمی تواند از جهت سندی مورد اطمینان بوده و مستند قرار گیرد.

اما از جهت دلالت، چند احتمال در روایت هست که صرف این احتمالات، کافی در تضعیف استدلال به روایات است: اول، مقصود از احکام، صدور حکم نباشد، بلکه اجرای آن باشد؛ یعنی مجازات کردن در مسجد، که از محل بحث بیرون است.

دوم، مقصود، فضای جنجالی یا تیراژ باشد، که با وزنت و ثبات مسجد سازگار نیست.

سوم، مقصود ائمه، احکام صادره از عامه باشد که باطل محض است، و امامان شیعه از این راه می خواستند راه را بر قضاوت آنان در مسجد ببندند.^{۲۶}

هر چند برخی از این احتمالات ضعیف باشد، لکن قوت احتمال اول کافی است که دلالت روایت را نیز مخفوش سازد.

۴. اهل سنت برای کراهت قضاوت در مسجد به گفته سعید بن مسیب استناد کرده اند. وی روایت کرده است، عمر بن خطاب در نامه ای به قاضیان نوشت که در مساجد قضاوت نکنند: «ان لا تقضوا فی المساجد».^{۲۷} لکن نقد این دلیل با زبان عامه آن است که:

اول، روایت مرسل است.

دوم، روایت شده عسر و عثمان در مسجد قضاوت می کردند، و کسی به آنان اعتراض نمی کرد.^{۲۸}

دلیل قول به تفهیل

مرحوم محقق حلی در «تفاه و مشرع و حلامه حلی در قواعد گفته اند: قضاوت مفادوم در مسجد مکروه است، ولی قضاوت مطلق و به صورت نادر در مسجد، بی اشکال است. مهمترین دلیل آنان، جمع بین ۲ گروه ادله جواز و کراهت است، ادله

المقبرة
 تالک
 حَقِّ الدِّينِ لِمَنْ عَدِلَ عَلَيْهِ مِنْ بَنِي الدِّينِ
 الْكَبْرِ الْبَدَاوِي التَّائِبِ بِالسَّخْرِ النَّفِيذِ
 السَّن ۱۳۲۸ هـ ق
 مؤسس: آقا میرزا آقایی
 ناشر: آقا میرزا آقایی



۲. تفاوت در برترین اعمالی است که باید در بهترین امکان صورت پذیرد و آن مسجد است.

مرحوم محقق نراقی نقدی که بر این دلیل ذکر کرده، این است که این اجتهاد مشابه نص است. مقصودشان از نص، آرزویش است که گفته شد.

نقد این کلام این است که نص مورد اشاره از لحاظ سند و دلالت مورد خدشه بود چنانکه به تفصیل بحث شد. لذا، این قول اجتهاد است، اما مقابل نص نیست.

ولی اشکال ما بر هر ۲ دلیل این است که استحباب همانند وجوب و حرمت و کراهت، حکمی از احکام الهی است که باید با دلیل آن را اثبات کرد. و این ۲ دلیل، نمی‌تواند استحباب را اثبات کند.

نتیجه آنکه، تفاوت در مسجد جایز است، و دلیلی بر کراهت آن نیست.

در پایان این مقال تأکید بر این نکته لازم است که در نظام جمهوری اسلامی بهیچر است هر ارگاسن و نهادهای، مکان مخصوص به خود داشته باشد. چنانکه دارند. و مسجد کانون نشر معارف دین و مرکز تہذیب اخلاقی و پرورش دلہا و جانہا باشد.

پانوشها:

۱. تحصیل علی، باب ۲۲، ص ۲۱
۲. تحصیل لرقا، باب ۲۲، ص ۲۸
۳. شراعی الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیہ، قم، ج ۱، ص ۱۵۲
۴. خلاف، ج ۲، ص ۳۱۰
۵. قواعد الاحکام، منشورات الرضی، قم، ج ۲، ص ۲۰۴
۶. شراعی الاسلام، ج ۶، ص ۷۶: او ان يجعل المسجد مجلساً للفقهاء دائماً ولا یکر، لرافق نادوہ.
۷. مقدمه، انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین، قم، ص ۷۲۲
۸. الشہایہ و نکمہا، انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین، قم، ج ۱، ص ۶۹۸
۹. الرسائل العفریہ، مجمع جهانی اعلیٰ بیت، ص ۲۳۱
۱۰. خلاف، ج ۲، ص ۳۱۰
۱۱. ابن سراج، مہذب، ج ۲، ص ۵۹۲: فاما جاورہ للحکومۃ فی المساجد اجازۃ.
۱۲. ابن حزمہ، وسیلہ، ص ۲۰۹
۱۳. سمرقہ، انتشارات اسلامی، قم، ج ۲، ص ۱۵۶: او قد کمرہ قوم الفقہاء فی المساجد و اجازہ، آخرود و هو الاصل، بملعبنا.
۱۴. جامع، ج ۷، ص ۱۳، فتح القہر، ج ۵، ص ۲۶۵، الدر المنشر، ج ۲، ص ۳۲۲، الباب، ص ۱۸۰، سنن، ج ۹، ص ۱۴۹، زہیلی، وجہا، فقہ الاسلام و اذنتہ، ج ۶، ص ۵۰۳
۱۵. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۵۵، بہ نقل از لغاتل شانان، ص ۱۵۵
۱۶. مستند الشیخہ، ج ۲، ص ۵۲۲
۱۷. شراعی الاسلام، ج ۶، ص ۷۲
۱۸. مستدرک الوسائل، چاپ آگ البیت، ج ۱۷، ص ۲۵۸
۱۹. مفتاح الکرامۃ، ج ۱۰، ص ۲۹، الفقه الاسلامی و ادلتہ، ج ۶، ص ۵۰۳
۲۰. جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۱۱۷
۲۱. مفتاح الکرامۃ، ج ۱۰، ص ۲۹
۲۲. تہذیب، ج ۱۴، ص ۲۲۹، حدیث ۶۸۲، رسائل الشیخہ، ج ۵، ص ۲۳۳، ایواب احکام المساجد باب ۲۷، حدیث ۱
۲۳. من لا یحضرہ الفقیہ، ج ۱، ص ۱۵۲، حدیث ۱۷۱۶، رسائل الشیخہ، حدیث ۲، ص ۵، ص ۲۳۲، ایواب احکام المساجد باب ۲۷
۲۴. مختلف الشیخہ، مکتبۃ نبوی الحدیث، نهران، ص ۶۹
۲۵. مجلس الشہایہ، چاپ آگ البیت، ج ۱، ص ۱۴۸
۲۶. نجاشی در مورد او گفته است: کوفی ثقة و کان فطحیہ. مرحوم محقق خوئی گوید: لا اشکال فی وثاقۃ علی بن اسباط و فی کفہ کان فطحیہ. ر. ک. معجم رجال الصحیح، ج ۱۱، ص ۲۶۱
۲۷. مستدرک الوسائل، چاپ ۳ جلدی، ج ۳، ص ۷۱۸، الفائقہ الخامسة، از صاحبان ابن تقریہ مرحوم قرطبی، سیدبشر العلوم، شیخ بیاضی و محقق بغداد می‌باشند.
۲۸. من لا یحضرہ الفقیہ، الفتا، انتشارات اسلامی، قم، ج ۱، ص ۴
۲۹. جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۱۱۷
۳۰. خلاف، ج ۳، ص ۳۱۰
۳۱. مستند الشیخہ، ج ۲، ص ۵۲۲